Volume 3, Issue1, Year 2026

مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal
Journal Homepage:
https://www.taj.edu.af/magazine/index.php
ISSN
P: 2664-9144
E: 3106-4191
OPEN ACCESS

Publisher: Taj University **DOI:** http://doi.org/10.63616/taj.V.03.I.01.04

Investigating the factors behind the expansion of the Imam Abu Hanifa (RA) School of Jurisprudence.

Ziaulhaq sadat[1]

[1] Teacher assistant candidate, development management, Herat., Afghanistan (ziaholhaqss@gmail.com)

Article Info

Received:
2026 / 6 / 25

Accepted:
2026 / 10 /6

Published:
2026 / 10 / 31

ABSTRACT

The present study was conducted with the aim of investigating the factors behind the spread of Hanafi jurisprudence and the development of the jurisprudential school of Imam Abu Hanifa (may Allah have mercy on him) in the Islamic world. This research is applied in terms of its purpose and historical-analytical in terms of methodology, and the data were mainly collected from library sources and questionnaires. The results show that the spread of Hanafi jurisprudence was influenced by several factors, which include both the internal aspects of Imam Abu Hanifa's jurisprudence and thought, as well as external and historical factors. In the internal dimensions, Imam Abu Hanifa's jurisprudential principles included facilitating and facilitating religious and transactional matters, supporting the needy and vulnerable groups, validating human actions, preserving human dignity and sanctity, and recognizing the authority of the government. Attention to reason, analogy, Istihasan, custom, and realism, jurisprudential flexibility, and defending the rights of minorities made Hanafi jurisprudence a practical, acceptable, and widespread school. In external dimensions, prominent students of Imam Abu Hanifa such as Abu Yusuf and Muhammad ibn Hassan Shaybani played a key role in the compilation, organization, and dissemination of Hanafi jurisprudence. Acceptance of judicial positions and cooperation with the Abbasid and Samanid governments, the establishment of jurisprudential schools in various cities, and the activities of missionaries and students of religious sciences paved the way for the geographical and social expansion of this school. The research findings show that the convergence between jurisprudential teachings, the efforts of students, acceptance of governments, and the social needs of newly converted Muslims led to the establishment of Hanafi jurisprudence as the dominant and official religion in many regions of the Islamic world. This research, with a comprehensive and multidimensional perspective, provides a clearer understanding of the intellectual, educational, political, and social factors effective in the development of Imam Abu Hanifa's jurisprudential school.

Keywords: Imam Abu Hanifa, History of Islamic Jurisprudence, Hanafi Jurisprudence, Development of Jurisprudential Schools

دوره سوم، شماره اول، سال۱۴۰۵

مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal

صفحۀ اصلی مجله: https://www.taj.edu.af/magazine/index.php

ISSN
P: 2664-9144
E: 3106-4191

OPEN ACCESS

ناشر: پوهنتون تاج

DOI: http://doi.org/10.63616/taj.V.03.I.01.04

بررسی عوامل گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه(رح)

نامزد پوهنیار ضیاالحق سادات[1]

[1] عضو کادر علمی پوهنحی اداره و پالیسی عامه، پوهنتون هرات، افغانستان (ziaholhaqss@gmail.com)

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت:
۱۴۰۵/۴/۴

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵/۷/۱۴

تاریخ نشر:
۱۴۰۵/۸/۹

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل گسترش فقه حنفی و توسعه مدرسه فقهی امام ابوحنیفه (رح) در جهان اسلام انجام شده است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی تاریخی ـ تحلیلی است و داده‌ها عمدتاً از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری گردآوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد گسترش فقه حنفی تحت تأثیر عوامل متعددی بوده است که هم جنبه‌های درونی فقه و اندیشه امام ابوحنیفه و هم عوامل بیرونی و تاریخی را دربر می‌گیرد.

در ابعاد درونی، اصول فقهی امام ابوحنیفه شامل تسهیل و آسان‌گیری در امور عبادی و معاملات، حمایت از نیازمندان و اقشار آسیب‌پذیر، اعتباربخشی به تصرفات انسانی، حفظ کرامت و حرمت انسان و به رسمیت شناختن اختیارات حکومت بود. توجه به عقل، قیاس، استحسان، عرف و واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری فقهی و دفاع از حقوق اقلیت‌ها باعث شد فقه حنفی مکتبی عملی، مقبول و گسترده گردد.

در ابعاد بیرونی، شاگردان برجسته امام ابوحنیفه همچون ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی نقش کلیدی در تدوین، سامان‌دهی و انتشار فقه حنفی داشتند. پذیرش سمت‌های قضایی و همکاری با حکومت‌های عباسی و سامانیان، تأسیس مدارس فقهی در شهرهای مختلف و فعالیت مبلغان و طلاب علوم دینی، زمینه‌ساز گسترش جغرافیایی و اجتماعی این مکتب شد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که همگرایی میان آموزه‌های فقهی، تلاش شاگردان، پذیرش حکومت‌ها و نیازهای اجتماعی مسلمانان تازه‌اسلام‌آورده، موجب شد فقه حنفی به‌عنوان مذهب غالب و رسمی در بسیاری از مناطق جهان اسلام تثبیت شود. این تحقیق با نگاه جامع و چندبُعدی، درک روشن‌تری از عوامل فکری، آموزشی، سیاسی و اجتماعی مؤثر در گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه ارائه می‌دهد.

کلمات کلیدی: امام ابوحنیفه، تاریخ فقه اسلامی، فقه حنفی، گسترش مکاتب فقهی

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. مقدمه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللّٰهُ فَلاَ مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اما بعد:

مدارس فقهی اهل‌سنت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تاریخ اندیشه اسلامی، نقش بنیادینی در سامان‌دهی نظام حقوقی و فقهی جوامع مسلمان ایفا کرده‌اند. در این میان، مدرسه فقهی امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت(۸۰–۱۵۰ق) جای‌گاهی ممتاز دارد؛ به‌گونه‌ای که مذهب حنفی از نظر گستره جغرافیایی و نفوذ تاریخی، یکی از فراگیرترین مذاهب فقهی جهان اسلام به‌شمار می‌آید. گسترش چشم‌گیر این مکتب فقهی را نمی‌توان صرفاً نتیجه عوامل بیرونی هم‌چون حمایت‌های سیاسی یا شرایط اجتماعی دانست، بلکه بررسی عوامل ذاتی و درونی آن، افق روشن‌تری برای فهم چرایی تداوم و توسعه آن فراهم می‌آورد.

از جمله عوامل ذاتی گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه، می‌توان به روش‌شناسی اجتهادی ویژه او اشاره کرد که بر عقل‌گرایی منضبط، استفاده گسترده از قیاس، استحسان و توجه به مقاصد شریعت استوار بود. این روی‌کرد، فقه حنفی را به مذهبی پویا و انعطاف‌پذیر تبدیل کرد که توانایی پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید جوامع مختلف را داشت (ابوزهره، ۱۹۹۱: ۲۳۵). چنین ویژگی‌ای، به‌ویژه در محیط‌های شهری و چندفرهنگی مانند کوفه، که امام ابوحنیفه در آن پرورش یافت، اهمیت دوچندان یافت.

عامل مهم دیگر، نظام آموزشی منسجم و جمعی در مدرسه فقهی امام ابوحنیفه بود. برخلاف شیوه فردمحور رایج در برخی مکاتب فقهی، وی با ایجاد حلقه‌های علمی و مشارکت فعال شاگردان برجسته‌ای چون ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی، نوعی اجتهاد شورایی را پایه‌گذاری کرد که به تعمیق، پالایش و تثبیت آراء فقهی انجامید(خضری، ۲۰۰۴: ۱۸۷). این ساختار آموزشی، نقش مهمی در انتقال منظم و ماندگار آموزه‌های فقه حنفی ایفا نمود.

افزون بر این، استقلال فکری و موضع‌گیری اخلاقی امام ابوحنیفه در برابر قدرت سیاسی، به اعتبار اجتماعی و مشروعیت علمی مکتب وی افزود. امتناع او از پذیرش مناصب حکومتی، نه‌تنها

جایگاه علمی‌اش را تضعیف نکرد، بلکه موجب اعتماد عمومی و اقبال گسترده علما و فقها به مکتب فقهی او شد(ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۳۹۰). این سرمایه اخلاقی، یکی از عوامل درونی مؤثر در پذیرش و گسترش مدرسه فقهی حنفی به‌شمار می‌رود.

بر این اساس، می‌توان گفت که گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه، پیش از آنکه مرهون عوامل بیرونی باشد، ریشه در ویژگی‌های ذاتی این مکتب دارد؛ ویژگی‌هایی چون عقلانیت روشمند، انعطاف‌پذیری فقهی، نظام آموزشی کارآمد و شخصیت علمی و اخلاقی بنیان‌گذار آن. بررسی دقیق این عوامل، نه‌تنها به فهم بهتر تاریخ فقه اسلامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در بازخوانی ظرفیت‌های اجتهادی فقه اسلامی در عصر معاصر نیز الهام‌بخش باشد.

با بررسی‌های صورت گرفته در زمینه پیشینه تحقیق پیرامون عوامل گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه(رح) محقق توانسته است تا به منابع نزدیک به عنوان تحقیق دست یابد از جمله؛ تحقیقی که که توسط ضیائی و همکاران(۱۳۹۱) تحت عنوان تأثیر هم‌نظری ابوحنیفه و مرجئه در گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر به روش تاریخی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای پرداخته به این نتیجه دست یافتند که با توجه به یکسان بودن بعضی از باورهای مشترک موجب رواج یافتن فقه حنفی در آن بلاد شد. همچنین ضیائی و همکاران(۱۳۹۱) در تحقیقی دیگری تحت عنوان علل گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر تا پایان عصر سامانیان به روش تاریخی پرداخته به این نتیجه دست یافتند که گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر تا پایان عصر سامانیان شامل: نزدیکی دیدگاه‌های ابوحنیفه با مرجئه. پشتیبانی فقهای حنفی به‌ویژّه ابوحفص کبیر از بانیان سلسله سامانی و تاثیر آنان در تثبیت اقتدار و مشروعیت‌بخشی به حکومت سامانیان و حمایت حاکمان سامانی از فقیهان حنفی و سپردن مناصب قضا و افتاء به آنان. تلاش گسترده شاگردان بی‌واسطه و با واسطه امام ابوحنیفه. واقع گرایی و عقلی بودن فقه حنفی، توجه ب حقوق زنان، ذمیان و تازه مسلمان ترک، آسان‌گیری فقه حنفی و استعداد فراوان فقه حنفی در توجه به ویژّه به عرف، قیاس و استحسان بوده است.

و نیز سید جلال میرآقایی(۱۳۸۹) در تحقیقی با استفاده از روش تاریخی تحت عنوان امام ابوحنیفه در اندیشه و رفتار پرداخته؛ به این نتیجه دست یافت که امام ابوحنیفه(رح) خود پیشوای بزرگ‌ترین گروه مسلمانان درتاریخ بوده و هست، از منش انسانی در رفتار و شیوه‌ای ابتکاری در درس

و تحقیق برخوردار بوده و از دوست‌داران و هواداران امامان اهل بیت به شمار می‌رفته و با آنان روابط صمیمانه و نزدیکی داشته است.

مساله اصلی تحقیق حاضر این است که چه عواملی باعث گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه(رح) گردیده است؟ و این‌که چه عوامل داخلی و خارجی در گسترش این مدرسه فقهی تاثیرگذار بوده است بوده و نیز هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی عوامل گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه(رح) با استفاده از روش تاریخی- تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

اهمیت پرداختن به موضوع تحقیق شامل آگاهی عوامل گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه، آشنایی با اصول فقه حنفی، زندگی امام ابوحنیفه(رح) بوده و ضرورتی که برای اجرای تحقیق علمی هذا محسوس است؛ پوشش دادن خلای علمی، آشنایی با عوامل گسترش‌دهنده بزرگترین مدرسه فقهی امامان اهل سنت می‌باشد. از نقاط افتراق تحقیق حاضر با تحقیقات ذکر شده به حیث پیشینه تحقیق، همانا وسعت دید به موضوع و نگاه کلی به عوامل تاثیرگذار در گسترش این مدرسه فقهی در یک منطقه خاص نه بل‌که در تمام جهان اسلام خواهد بود.

۲. ادبیات و پیشینه تحقیق

زندگی‌نامه امام ابوحنیفه(رح)

امام ابوحنیفه(رح) نعمان بن ثابت پسر زوطی(مرزبان) است. کنیه او حنیفه مونث حنیف به معنی زاهد یا مسلم است. ایشان در خانواده‌ی که در بین قومش دارای شرف و احترام بود به دنیا آمد. اصل او از کابل- پایتخت افغانستان امروز است. جدش زوطی(مرزبان) از فرزندان آزاد فارس در زمان خلافت طلائی حضرت عمر (رض) اسلام آورد و در آنجا اقامت گزید. وی در خانواده مسلمان. با تقوی ثروتمند و سخاوتمند پرورش یافت و چنین به نظر می‌رسد که تنها فرزند پدر و مادرش بوده است. پدرش در کوفه به پارچه فروشی اشتغال داشت. امام ابوحنیفه(رح) در سال ۸۰ هجری در کوفه در زمان خلافت عبدالملک بن مروان بدنیا آمد(عباسی؛ ۱۳۶۰: ٦-٥). امام ابوحنیفه(رح) در سال ۱۵۰ هجری در بغداد در پی فتنه‌ی درگذشت. ابوحنیفه(رح) از حماد بن ابی سلیمان اشعری فقیه کوفی به مدت ۱۸ سال فقه و حدیث را آموخت و از محضر ابراهیم نخعی، علقمه بن قیس و شعبی هم برای آموختن فقه بهره‌مند شد. در بعضی از اقوال گفته شده که ایشان در حدود ۴۰۰۰ استاد داشته است. وی چهار تن از صحابی گران‌قدر نبی مکرم اسلام شامل: انس بن مالک، عبدالله بن اوفی سهل بن سعد و ابوطفیل عامر

بن واحله را ملاقات نموده است(سپهری؛۱۳۹۰: ۲۱). امام ابوحنیفه در عصر عبدالملك بن مروان خلیفه اموی به دنیا آمد و در زمان ولایت حجاج ثقفی والی عراق به سن رشد رسید و در عهد خلافت خلیفه دادگر(عمر بن عبدالعزیز) نبوغ و استعدادش آشکار گردید. در این زمان کوفه از لحاظ علمی خیلی پیشرفته بود می‌گویند امام ابوحنیفه به فراگیری علم نحو پرداخت چون دخالت دادن عقل و رای در نحو زیاد ممکن نبود ابوحنیفه علم نحو را چندان پی‌گیری نکرد و در مقابل توجه خود را به فقه معطوف داشت و در پهلوی آن به علم کلام هم پرداخت(سپهری؛ ۱۳۹۰: ٦٦). امام ابوحنیفه بعد از وفات استادش(حماد) به تدریس فقه پرداخت و استعدادش را به کار انداخت. امام ابوحنیفه(رح) در طول دوران تدریس شاگران برجسته‌ای را چون؛ ابویوسف. ابوعبدالله بن حسن شیبانی. زفر بن الهذیل و حسن بن زیاد لولویی کوفی تعلیم دادند که در گسترش فقه و مذهب ایشان بر دیگران برتری دارند(سپهری؛ ۱۳۹۰: ۷۱-٦۹).

امام ابوحنیفه(رح) به تمام وجود کوشیده است که از حریم قرآن و سنت دفاع کند و اصل قیاس، استحسان و عرف را به خدمت کتاب و سنت به کار گیرد. ایشان و شاگردان شان بنامش چندین هزار مساله اساسی را حل کردند و دروازه‌های ادراك استنباط را به روی دیگران گشودند و اجتهاد را رونق بخشیدند. شاگردان امام ابوحنیفه(رح) از قبیل ابویوسف، حسن شیبانی، زفر و دیگران در ترویج و اشاعه مکتب امام ابوحنیفه(رح) مردانه کوشیدند و جهات فکری و عملی اسلامی را به جهانیان شناساندند(سپهری؛ ۱۳۹۰: ۲۳). در حال حاضر مذهب امام ابوحنیفه(رح) دارای بیشترین تعداد پیروان در سطح جهان می‌باشد(میرآقایی؛ ۱۳۸۹: ۲۹).

علم فقه و پیدایش آن

فقه در لغت به معنای دانایی و درك عمیق است، و در اصطلاح، دانشی است که به بررسی احکام فرعی شرعی بر پایه‌ی ادله‌ی تفصیلی می‌پردازد(باقرزاده، ۱۳۸۷: ٦۴). به بیانی دیگر، فقه دانشی است که احکام عملی دین را از طریق استنباط از منابع اصلی شریعت استخراج می‌کند. این تعریف با آنچه «عملیه‌الاستنباط» خوانده می‌شود، ارتباط مستقیم دارد. فقه علمی است که به موضوعات عملی و فروع احکام شرعی می‌پردازد و هدف آن، پرورش توانایی و مهارت در اجرای صحیح این احکام است.

دکتر ذبیح‌الله صفا در تبیین خاستگاه فقه و اجتهاد چنین می‌نویسد: در دوران حیات پیامبر اسلام، مسلمانان مستقیماً از او احکام دینی را فرا می‌گرفتند و در مسائل پیچیده‌ی شرعی به ایشان رجوع

می‌کردند. اما پس از رحلت آن حضرت، این نقش به صحابه واگذار شد، به‌ویژه قرّاء (قاریان قرآن) که با مفاهیمی چون محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ آشنا بودند و آن‌ها را از رسول خدا آموخته بودند. در میان صحابه، گروهی چون خلفای راشدین، اُبَیّ بن کعب، عبدالله بن مسعود، معاذ بن جبل، عمار بن یاسر، زید بن ثابت، سلمان فارسی، ابوالدرداء و ابوموسی اشعری به عنوان صاحبان فتوا شناخته می‌شدند.

پس از آنان، این وظیفه به تابعین منتقل شد. در این میان، هفت تن از فقیهان مدینه شهرت فراوانی یافتند: سعید بن مسیب، ابوبکر بن عبدالرحمن، قاسم، عبدالله، عروه، سلیمان و خارجه. برخی منابع تاریخی این شمار را تا ده نفر نیز ذکر کرده‌اند. به واسطه‌ی همین افراد، فقه و فتوا در سراسر سرزمین‌های اسلامی گسترش یافت.

در آغاز دوران اسلامی، دانش‌هایی چون فقه، تفسیر، حدیث و قرائت به‌صورت یک واحد منسجم تلقی می‌شدند و تمایز روشنی میان آن‌ها وجود نداشت. اما به‌مرور زمان و با توسعه علمی، این رشته‌ها به‌تدریج از یکدیگر تفکیک شدند. در این میان، علم فقه جایگاه ویژه‌ای یافت و به‌عنوان شاخه‌ای مستقل با عنوان "علم تشریع" شناخته شد. دانشمندان این حوزه نیز با عنوان "فقها" مورد احترام قرار گرفتند؛ چراکه در اغلب امور مسلمانان صاحب‌نظر بودند و از اعتبار و نفوذ بالایی برخوردار شدند (صفا، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۶).

عصر نشر مذاهب یا عصر اتباع تابعین

در دوره‌ای که دیگر صحابه و تابعین حضور نداشتند، زمینه‌هایی فراهم شد که باعث رشد و شکل‌گیری مذاهب مختلف فقهی گردید. در پاورقی صفحه ۱۷ کتاب اصحاب صحاح سته آمده است که در آن زمان عوامل گوناگونی در تدوین مذاهب تأثیرگذار بودند. نتایج این عوامل به شرح زیر است:

الف) پیروان تابعین از کسانی که هنوز حضور داشتند بهره می‌بردند و در مسائلی که اختلاف‌نظر وجود داشت، معمولاً از فقه و روش علمای شهر خود پیروی می‌کردند.

ب) به همین دلیل، مذهب هر عالم دینی در شهر خودش رواج می‌یافت و مردم همان شهر، به دلیل علاقه به شخصیت و جایگاه آن عالم، از او پیروی می‌کردند؛ نه صرفاً از روی تقلید. برای نمونه، سفیان ثوری و ابن ابی لیلی در کوفه، ابن جریح در مکه، مالک بن ماجشون در مدینه، اوزاعی در شام و لیث

بن سعد در مصر از جمله این عالمان بودند. اگر پاسخ مسائل را در آرای فقهی محلی نمی‌یافتند، خود دست به اجتهاد می‌زدند و طبیعتاً این اجتهادها به اختلاف نظر می‌انجامید.

ث) در دوره پس از تابعین، پیروان فقیهان به چند گروه با دیدگاه‌ها و روش‌های متفاوت تقسیم شدند. با گسترش آرا و تنوع مذاهب، زمینه برای نگارش آثار مستقل از سوی دانشمندانی چون طبری و بیهقی فراهم شد، چرا که در آن دوران هنوز مذاهب شناخته‌شده و تثبیت‌شده‌ای مانند امروز وجود نداشت که همه مردم یک منطقه را تحت پوشش قرار دهد.

ج) در این دوران، مذاهب متعددی شکل گرفت، از جمله مذهب چهار امام اهل سنت و برخی دیگر که برخی از آن‌ها ماندگار شدند و برخی دیگر از میان رفتند. مثلاً مذهب اوزاعی در شام (متوفی ۱۵۷)، مذهب سفیان ثوری در کوفه (متوفی ۱۶۱) و مذهب لیث بن سعد در مصر (متوفی ۱۷۵) گرچه از نظر علمی در سطح بالایی بودند، اما در گذر زمان دوام نیاوردند. با روی کار آمدن خلافت عباسی، توجه به علم فقه و علمای آن بیشتر شد. همچنین سنت پیامبر مورد توجه قرار گرفت و جمع‌آوری و تدوین آن آغاز شد. در قرون دوم و سوم هجری، مذاهب چهارگانه اهل سنت با شکوه و قدرت سراسر سرزمین‌های اسلامی را دربر گرفتند. (سپهری، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۳)

فقه حنفی و ویژگی‌های آن

مکتب فقهی حنفی از نظر شمار پیروان، گسترده‌ترین مذهب در میان مذاهب اهل سنت به شمار می‌رود. شاخصه اصلی این مکتب، تأکید بر بهره‌گیری از عقل و قیاس در استنباط احکام است. امام ابوحنیفه با تکیه بر این روش‌ها، تلاش نمود فقه را با تحولات و نیازهای زمان هماهنگ سازد. این ویژگیِ تطبیق‌پذیری سبب شد تا فقه حنفی در مناطق وسیعی از دنیای اسلام، از جمله خراسان، شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی، ترکیه و بخش‌هایی از جهان عرب رواج یابد.

از دیگر نوآوری‌های فقهی امام ابوحنیفه، به‌کارگیری مفهوم "استحسان" است؛ به این معنا که در برخی موارد، حکمی برتر و مناسب‌تر با در نظر گرفتن مصالح و شرایط انتخاب می‌شود. این شیوه، که امکان انعطاف در صدور حکم را برای فقیهان فراهم می‌کند، از عوامل مهم در پذیرش و نفوذ گسترده فقه حنفی در جوامع گوناگون محسوب می‌شود (ابوزهره، ۱۳۸۴: ۳۲).

اصول مذهب امام ابوحنیفه

ابوحنیفه در بیان روش استنباط فقهی خود اظهار می‌دارد: ابتدا به قرآن کریم رجوع می‌کنم و اگر حکمی را در آن نیابم، به سنت پیامبر اکرم (ص) مراجعه می‌نمایم. اگر از قرآن و سنت پاسخی به دست نیاورم، به اقوال صحابه استناد می‌کنم و از آنچه غیر از آن باشد صرف‌نظر می‌کنم. او همچنین تصریح می‌کند: هرگاه حدیثی از پیامبر (ص) به ما برسد، آن را به کار می‌بریم، اما در مورد سخنان صحابه در پذیرش یا رد آن آزادیم؛ و اگر نقل قولی از تابعین باشد، در برابر آن موضع‌گیری می‌کنیم و آن را با دقت می‌سنجیم.

با بررسی مبانی فقهی ابوحنیفه می‌توان دریافت که اصول اندیشه او بر محورهایی خاص استوار بوده است که هم به گذشته توجه دارد و هم چشم‌اندازی برای آینده ترسیم می‌کند. این اصول عبارت‌اند از:

الف: تسهیل و آسان‌گیری در امور عبادی و معاملات:

امام ابوحنیفه(رح) معتقد است که هر گاه جسم یا لباس نجس شود شستن آن با هر مایع پاک از قبیل گلاب و سرکه که بتواند نجاست را برطرف نماید جایز است و آب را تنها مایع پاک کننده نمی‌داند. و نیز می‌گوید: هر گاه کسی بخواهد در شب تاریک نماز بخواند و لی با کوشش زیاد نتواند جهت قبله را درست تشخیص دهد و در غیر جهت قبله نماز بخواند، نمازش درست است. و در معاملات جایز می‌داند که ثمر درخت را قبل از رسیدن خریداری کند(عباسی، ۱۳۶۰: ۴۷).

ب: حمایت از نیازمندان و اقشار آسیب‌پذیر:

برای کمک به مستمندان ابوحنیفه(رح) زکات را بر وسایل زینتی طلا و نقره و اجب می‌داند و نیز معتقد است که اگر قرض، قرض‌دار به اندازه دارایی‌اش باشد زکات بر وی واجب نیست تا کمکی باشد بر قرض‌دار.

ج: تلاش برای اعتباربخشی به تصرفات و رفتارهای انسانی تا حد امکان:

ابوحنیفه(رح) می‌کوشد تا کسی را که شرایط تصرف صحیح را داشته باشد، وی را در کارهای خود مختار نماید، مثلا می‌گوید: کودک عاقل و اهل تمییزی که هر چند به سن رشد نرسیده باشد اگر اسلام بیاورد، مانند اسلام آوردن یک انسان کبیر قابل اعتبار است. و نیز تجارت وصی را با مال یتیم در صورتی‌که مصلحت یتیم ایجاب نماید، جایز می‌داند(همان).

د: حفظ کرامت و حرمت انسان:

ابوحنیفه(رح) این اختیار را به ولی زن بالغ و رشید نمی‌دهد که به میل خودش او را به عقد ازدواج مرد دلخواه خویش دربیاورد. و اگر مردی دختر بالغ‌اش را به عقد کسی درآورد، ولی دختر راضی نباشد چنان ازدواجی صحیح نیست. دیگر این‌که امام ابوحنیفه(رح) شهادت یک مرد و دوزن را در ازدواج به جای دو مرد قبول داشته و شهادت بعضی از اهل ذمه را علیه بعضی دیگر جایز می‌شمارد(همان).

هـ: به رسمیت شناختن اختیارات حکومت به عنوان نماینده امام:

امام ابوحنیفه(رح) از حق امام یعنی حاکم شرعی می‌داند که به مقتضای مصلحت در غنایمی که مسلمانان از سرزمین‌های فتح شده به دست آورند دخل و تصرف نماید. و این حق را برای امام قایل است که به هر وسیله‌ای که ممکن باشد مجاهدین را به جنگ تشویق نماید. مثلا برای پیروزی مسلمانان به کسی که در جنگ کار معینی را انجام دهد، سهمی معینی را از بیت‌المال اختصاص دهد. دیگر این‌که از حق امام می‌داند که زمین موات را در اختیار کسی بگذارد که می‌خواهد آن را آباد نموده و مورد بهره‌برداری قرار دهد و ولایت بر لقیط(بچه سر راهی) و اجرای قصاص را برایش از اختیارات امام می‌داند(همان).

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳,۱. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، تاریخی- تحلیلی می‌باشد. طوری‌که برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای به روش فیش‌برداری استفاده گردیده است.

در این تحقیق از روش تحقیق تاریخی ـ تحلیلی یکی از روش‌های رایج در تحقیق‌های علوم انسانی، به‌ویژه در حوزه تاریخ، تاریخ اندیشه و مطالعات فکری است استفاده شده است. طوری‌که این روش با هدف بازشناسی، تبیین و تحلیل پدیده‌ها، اندیشه‌ها و جریان‌های فکری در بستر زمانی و مکانی شکل‌گیری آن‌ها به‌کار می‌رود. در این روی‌کرد، محقق تنها به گزارش رویدادهای گذشته بسنده نمی‌کند، بلکه با تحلیل داده‌های تاریخی، به کشف روابط علّی، زمینه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش یک پدیده می‌پردازد (Burns, 2000).

در روش تاریخی ـ تحلیلی، داده‌ها عمدتاً از منابع دست‌اول و دست‌دوم تاریخی گردآوری می‌شوند و پس از ارزیابی اعتبار، اصالت و دقت آن‌ها، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این ارزیابی شامل

نقد بیرونی(بررسی اصالت منبع، نویسنده و زمان نگارش) و نقد درونی(بررسی محتوا، سازگاری درونی و میزان اعتمادپذیری داده‌ها) است(Gall, & Borg, 2007). چنین روی‌کردی به محقق امکان می‌دهد تا از میان گزارش‌های گاه متعارض تاریخی، تحلیل مستدل و قابل اتکایی ارائه دهد.

وجه «تحلیلی» این روش، ناظر به فراتر رفتن از توصیف صرف است؛ به‌گونه‌ای که محقق با بهره‌گیری از مفاهیم نظری و چارچوب‌های تحلیلی، داده‌های تاریخی را تفسیر کرده و به تبیین چرایی و چگونگی تحولات تاریخی می‌پردازد. از این‌رو، روش تاریخی ـ تحلیلی به‌ویژه برای تحقیق‌هایی مناسب است که به بررسی ریشه‌ها، عوامل درونی و زمینه‌های فکری یک جریان یا مکتب علمی در گذشته می‌پردازن(Neuman, 2014).

۴. یافته‌های تحقیق

عوامل گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه(رح)

توجه فراوان فقه حنفی به واقع‌گرایی و عامل عرف

امام ابوحنیفه، که پیشوای مکتب اهل رأی در عراق به شمار می‌رود، برای اجتهاد خود به منابعی مشخص تکیه داشت؛ این منابع عبارت‌اند از: قرآن، سنت، اجماع، قیاس، استحسان، عرف و آرای صحابه. استفاده از این منابع، به‌ویژه توجه به عقل و عرف، نشان‌دهنده نگاه عقل‌گرایانه و واقع‌گرای او در استنباط احکام است(سپهری، ۱۳۹۰: ۹۶).

ابن عابدین نیز در همین راستا بیان می‌کند که: «در فقه حنفی، اعتبار دادن به عرف، توجه به آن و استناد به آن در تعریف مفاهیم، به‌ویژه در زمینه احکام مرتبط با عقود و معاملات، از زمان ابوحنیفه و شاگردان برجسته‌اش تاکنون، ویژگی بارز این مکتب بوده است»(ضیائی، ۱۳۹۰: ۵۰).

ارتباط عالمان حنفی با حاکمان

در دوران حکومت اموی‌ها، ابن هبیره که امیر عراق و والی بغداد در زمان مروان اموی بود، به امام ابوحنیفه دستور داد تا منصب قضاوت را بپذیرد و در این امر بسیار پافشاری کرد. اما ابوحنیفه از اجرای این فرمان خودداری کرد و به‌دلیل این مخالفت چندین بار مورد تازیانه قرار گرفت. همچنین در زمان منصور عباسی که برای تصدی مقام قضا به بغداد احضار شد، به زندان افتاد و بنا بر بیشتر گزارش‌های تاریخی در همان زندان وفات یافت. با این حال، شاگرد برجسته‌اش ابویوسف این منصب را پذیرفت

و حتی به مقام قاضی‌القضات منصوب شد. او نه‌تنها زمینه را برای گسترش مذهب حنفی در زمان خود فراهم آورد، بلکه راه تعامل و همکاری عالمان حنفی با دستگاه خلافت را نیز هموار ساخت. پس از آن، عباسیان و بسیاری از نظام‌های هم‌عصر یا بعد از آنان در مناطق مختلف با مکتب حنفی ارتباط برقرار کردند و گام‌هایی در جهت سازش و همکاری با این مذهب برداشتند(ضیائی، ۱۳۹۱: ۴۰).

تاثیر شاگردان امام ابوحنیفه در گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه

حضور شاگردانی از مناطق مختلف در جلسات درس امام ابوحنیفه، نقش مهمی در گسترش فقه حنفی در دوران حیات ایشان و پس از آن در نقاط نزدیک و دور داشته است. همچنین، ارتباط دیرینه مردم خراسان با ابوحنیفه و حضور تعدادی از خراسانیان در حلقه درس او خراسان، سمرقند و ماوراءالنهر را به یکی از پایگاه‌های مهم و ریشه‌دار فقه حنفی پس از عراق تبدیل کرد (پاکتچی، ۱۳۷۲: ۴۰۰-۴۰۱).

ابویوسف که در سال ۱۱۳ هجری به دنیا آمد و در سال ۱۸۲ وفات کرد، ابتدا هفت سال شاگرد ابن ابی لیلی بود و سپس به خدمت ابوحنیفه درآمد. از طریق بهره‌گیری از دانش امام، به فقیهی برجسته تبدیل شد و در دوران خلفای مهدي، هادي و رشید بنی عباس به مقام قضاوت رسید.

ابوعبدالله محمد بن حسن شیبانی (۱۳۲-۱۸۷ هـ) مدت طولانی شاگرد ابوحنیفه بود و پس از آن در محضر ابویوسف، سفیان ثوری و اوزاعی نیز تحصیل کرد. همچنین از امام مالک بن انس فقه حدیث و روایت را فراگرفت. شیبانی انسانی متین، بخشنده و دارای کرامت نفس بود و حدود شصت کتاب تألیف کرد که از میان آن‌ها «المبسوط» بیشترین شهرت را دارد.

زفر بن الهذیل (۱۱۰-۱۵۸ هجری) که پدرش عرب بود، پیش از ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی نزد ابوحنیفه درس خواند و در قیاس فقهی فعالیت داشت. اگرچه کتابی ننوشته، اما نظریات استاد خود را به صورت شفاهی منتشر کرد.

حسن بن زیاد لؤلؤیی کوفی که در سال ۲۰۴ هجری درگذشت، از شاگردان برجسته ابوحنیفه بود و بیشتر به خاطر روایت حدیث شهرت داشت. او در کوفه قضاوت کرد و آثاری چون «أدب القاضی»، «الخصال»، «معانی الأدیان»، «النفقات»، «الخراج»، «الفرائض»، «الوصایا» و «المجرد والامانی» را نگاشت.

دیگر شاگردان ابوحنیفه عبارتند از: هلال الرأی، خصاف، ابوجعفر طحاوی، ابوبکر کاشانی، ابوعبدالله گرگانی، علی بن محمد بزدوی و میرغینانی که هر یک کتاب‌های متعددی تألیف کردند (سپهری؛ ۱۳۹۰: ۷۰-۷۱).

آسان‌گیری فقه حنفی

امام ابوحنیفه بر این باور است که هرگاه جسم یا لباسی نجس شود، شست‌وشوی آن با هر مایع پاکی مانند گلاب یا سرکه که توانایی رفع نجاست را داشته باشد، جایز است و تنها آب را به عنوان پاک‌کننده معتبر نمی‌داند. همچنین ایشان می‌فرماید اگر کسی بخواهد در شب تاریک نماز بخواند اما با تلاش فراوان نتواند جهت قبله را به‌درستی تشخیص دهد و در غیر جهت قبله نماز گزارد، نمازش صحیح است، حتی اگر بعدها متوجه اشتباه خود شود. در زمینه زکات نیز ابوحنیفه اجازه می‌دهد که به جای پرداخت جنس، معادل پولی آن پرداخت شود. همچنین درباره زمینی که مسلمان آن را تصاحب می‌کند، لازم نیست هم خراج و هم یک‌دهم درآمد را پرداخت کند، بلکه تنها یکی از این دو کافی است. در معاملات نیز خریدن میوه درخت پیش از رسیدن آن، جایز شمرده شده است. این احکام نشان‌دهنده رویکرد امام ابوحنیفه در جهت تسهیل و آسان‌گیری در مسائل فقهی برای مردم است(سپهری؛ ۱۳۹۰: ۷۳-۷۲).

دفاع از حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های ضعیف

امام ابوحنیفه (رح) برای یاری رساندن به نیازمندان، زکات را بر زیورآلات طلایی و نقره‌ای واجب می‌داند. همچنین معتقد است که اگر بدهکار، میزان بدهی‌اش به اندازه دارایی‌اش باشد، از پرداخت زکات معاف است تا به این طریق بار مالی کمتری بر دوش او باشد و کمک حال بدهکار شود(سپهری؛ ۱۳۹۰: ۷۳).

امام ابوحنیفه (رح) در فقه خود، ابعاد اجتماعی و انسانی احکام مالی مانند زکات را برجسته می‌کرد. از دیدگاه او، زکات تنها یک وظیفه مالی و عبادی نیست، بلکه ابزاری برای حمایت از نیازمندان و کاهش بار مالی بر اقشار آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شود.

برای نمونه، ابوحنیفه واجب بودن زکات را شامل زیورآلات طلایی و نقره‌ای می‌داند، چرا که این اقلام از نظر اقتصادی ارزشمند و در دسترس افراد قرار دارند و می‌توانند به تقویت رفاه عمومی و یاری رساندن به مستمندان کمک کنند.

همچنین، او برای حمایت از بدهکاران، قائل به معافیت از زکات در صورت تساوی میزان بدهی با دارایی بود. این حکم نشان‌دهنده رویکرد واقع‌گرایانه امام ابوحنیفه است؛ هدف این است که فرد بدهکار، به جای فشار مالی مضاعف، بتواند از دارایی خود برای بازپرداخت بدهی استفاده کند و به این ترتیب کمک مالی به نیازمندان با رعایت عدالت و مصلحت فردی انجام گیرد.

تصحیح تصرفات انسان به قدر امکان

ابوحنیفه تلاش می‌کرد تا فردی که شرایط تصرف درست را دارد، در امور خود آزادی و اختیار داشته باشد. به عنوان مثال، او معتقد بود کودکی که دارای عقل و تمییز است، حتی اگر به سن بلوغ نرسیده باشد، اگر اسلام بیاورد، این عملش مانند اسلام آوردن یک بزرگسال معتبر است. همچنین ابوحنیفه اجازه می‌داد وصی با مال یتیم تجارت کند، به شرط آنکه این کار به مصلحت یتیم باشد(سپهری؛ ۱۳۹۰: ۷۳).

امام ابوحنیفه(رح) در آموزه‌های فقهی خود بر تأکید بر عدالت، اختیار و رعایت مصلحت فردی تأکید داشت. از نگاه او، مهم‌ترین معیار برای مشروعیت تصرفات و اعمال افراد، وجود عقل و تمییز و رعایت مصالح شرعی و اخلاقی بود، نه صرفاً سن یا موقعیت رسمی.

برای مثال، او معتقد بود که کودکی که عقل و تمییز دارد، حتی اگر به سن بلوغ نرسیده باشد، قادر است اسلام آوردن خود را به‌طور معتبر انجام دهد .این دیدگاه نشان می‌دهد که ابوحنیفه به اعتبار تصمیمات آگاهانه و عقلانی فرد بیش از معیارهای ظاهری مانند سن توجه داشت و بر مسئولیت‌پذیری عقلانی افراد تأکید می‌کرد.

همچنین، ابوحنیفه اجازه می‌داد وصی با مال یتیم تجارت کند، مشروط بر آنکه این اقدام به مصلحت یتیم باشد .این حکم نمونه‌ای از موازنه میان اختیار عملی و رعایت مصالح شرعی و اخلاقی است؛ یعنی فرد می‌تواند در چارچوب مجاز، از منابع تحت تصرف خود برای بهبود وضعیت بهره ببرد، به شرط آنکه به حقوق دیگران آسیبی نرساند و هدف، خیر و صلاح مالک واقعی باش(همان).

جنبه نظری و کاربردی بودن فقه حنفی

ابویوسف با نوشتن فقه افتراضی فقه حنفی را به فقه کاربردی در زمان عباسیان تبدیل کرد(ضیائی؛ ۱۳۹۱: ۴۱). این اقدام ابویوسف، نه تنها به **نه**ادینه شدن فقه حنفی در ساختار قضایی و حکومتی کمک کرد، بلکه موجب شد که فقه حنفی از یک مجموعه‌ی صرفاً نظری و اجتهادی، به ابزاری عملی برای حل مسائل روزمره حکومت و جامعه تبدیل شود. به بیان دیگر، نگارش فقه بر اساس مسائل واقعی و نیازهای حکومت عباسی، سبب شد مذهب حنفی به سرعت جایگاه رسمی پیدا کند و در عمل مورد استفاده قضات و مسئولان قرار گیرد.

عهده‌دار بودن منصب قضاء توسط حنفیان

پس از آنکه ابویوسف، شاگرد برجسته امام ابوحنیفه، سمت قضاوت و سپس قاضی‌القضات را پذیرفت، زمینه همکاری فقیهان مذهب حنفی با حکام مناطق مختلف که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت سلطه خلفای عباسی بودند، فراهم شد. تصدی منصب قاضی‌القضات و انتخاب قضات مناطق مختلف با توجه به اهمیت جایگاه آنان نزد مردم و نقش کلیدی‌شان در حل اختلافات، باعث رشد و گسترش فقه حنفی گردید(ضیائی؛ ۱۳۹۱: ۴۸).

پذیرش سمت قضاوت و سپس قاضی‌القضاة توسط ابویوسف، شاگرد برجسته امام ابوحنیفه(رح)، نقطه عطفی در تاریخ گسترش مذهب حنفی محسوب می‌شود. این اقدام، هم‌گرایی میان فقهای حنفی و نهادهای حکومتی عباسی را ممکن ساخت و زمینه را برای همکاری فقیهان مذهب حنفی با حکام مناطق مختلف، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، فراهم کرد. تصدی منصب قاضی‌القضاة، با توجه به اعتبار اجتماعی و مشروعیت دینی قاضی نزد مردم و نیز نقش کلیدی وی در حل اختلافات قضایی و اداری، موقعیت فقه حنفی را در ساختار حکومت و جامعه تثبیت کرد. به این ترتیب، انتخاب و انتصاب قضات مناطق مختلف، نه فقط اجرای عدالت، بلکه انتقال و تثبیت آموزه‌های فقهی حنفی در سطح گسترده را ممکن ساخت و باعث رشد و گسترش مذهب حنفی شد.

به بیان دیگر، این فرآیند نشان می‌دهد که جایگاه فقهای حنفی در سیستم قضایی، هم بُعد عملی و اجرایی فقه را تقویت کرد و هم نفوذ اجتماعی و سیاسی مذهب حنفی را افزایش داد، و در نهایت مذهب حنفی را به‌عنوان یک مذهب رسمی و تأثیرگذار در سراسر قلمرو عباسی تثبیت نمود.

احکام حمایتی فقه حنفی درباره گروه‌های ضعیف و اقلیت

فقهای مذهب حنفی در بسیاری از موارد، حقوق و احکامی را برای گروه‌های ضعیف‌تر و اقلیت‌ها صادر می‌کردند که دیگر مذاهب چندان به آن‌ها اعتقاد نداشتند. از جمله این احکام می‌توان به اجازه سپردن قضاوت به زنان، اجازه قصاص مسلمان بر کافر در صورت قتل، تسهیل پذیرش شهادت زنان و غیرمسلمانان، و کاربرد گسترده قاعده درء در کنار حذف برخی حدود اشاره کرد. این رویکردها باعث شد فقه حنفی در میان اقشار مختلف به عنوان مکتبی مقبول شناخته شود (ضیائی؛ ۱۳۹۱: ۵۳).

وجود قضاوت حنفی در بعضی از مناطق

واگذاری منصب قضا به علمای مذهب حنفی در طول چندین دهه، با توجه به نفوذ و تأثیر قابل توجه قضات در جامعه، باعث توسعه گسترده فقه حنفی گردید. قضات حنفی، به دلیل جایگاه اجتماعی برجسته و حمایت‌های حکومتی که داشتند، و نبود مشکلات و موانعی که سایر پیروان مذاهب با آن مواجه بودند، توانستند به گسترش فقه حنفی در آن دوره کمک کنند (ضیائی؛ ۱۳۹۱: ۵۳).

بزرگ اندیشی مدرسه فقهی امام ابوحنیفه

گستردگی دیدگاه و بردباری پیروان مذهب حنفی باعث شده است که برخی، تقویت این مذهب را به عنوان تنها راه مقابله با افراط‌گرایی، خشونت و تندروی بشناسند. حفیظ منصور از جمله افرادی است که به اهمیت تقویت مذهب حنفی باور دارد و معتقد است: «می‌توان با قاطعیت گفت که تقویت مذهب حنفی تنها راه مقابله با تفکر سلفی است» (احمدی؛ ۱۴۰۲: ۱۶۷).

نقش حلقه‌های درسی امام ابوحنیفه(رح)

در جلسات درس امام ابوحنیفه (رح)، افرادی از مناطق مختلفی همچون مکه، مدینه، دمشق، بصره، واسط، موصل، جزیره، نصیبین، رحل، مصر، یمن، یمام، بحرین، بغداد، اهواز، کرمان، اصفهان، حلوان، همدان، استرآباد، ری، قوس، ذوامغان، طبرستان، جرجان، نیشاپور، سرخس، بخارا، سمرقند، کس، صغار، ترمذ، هرات، نهسستار، الزام، خوارزم، سیستان، مدائن، مصیصه و حمص حضور داشتند. این افراد با بازگشت به مناطق خود، نقش مهمی در نشر و گسترش مذهب حنفی ایفا کردند (مبارز؛ ۱۳۸۸: ۲۶).

پذیرش از سوی حکومت‌ها

ابویوسف، شاگرد امام ابوحنیفه(رح)، با قبول سمت قضا، سلطه سیاسی عباسیان را به رسمیت شناخت و مشروعیت دینی آن‌ها را تأیید کرد. این اقدام باعث رفع موانع پیش روی فقهای حنفی و خلفای عباسی شد؛ به‌گونه‌ای که قضات حنفی مسئولیت برخی امور اداری حکومت عباسی را بر عهده گرفتند و در نهایت مذهب حنفی به عنوان مذهب رسمی توسط آنان اعلام گردید(بغدادی؛ ۱۴۰۷: ۳۳).

متن بر نقش ابویوسف، شاگرد برجسته امام ابوحنیفه (رح) در همسویی مذهب حنفی با حکومت عباسی تأکید دارد. ابویوسف با پذیرفتن سمت قضاوت (قاضی‌القضاة)، نه تنها مرجعیت دینی خود و مذهب حنفی را با نظام سیاسی حاکم مرتبط ساخت، بلکه شرط مشروعیت دینی حکومت عباسی را نیز تا حدی تأیید کرد. این اقدام، یک نقطه عطف آینده‌نگرانه در تاریخ فقه حنفی محسوب می‌شود، زیرا زمینه را برای ادغام فقه حنفی با نهادهای حکومتی فراهم آورد و موانع سیاسی و اجتماعی پیش روی فقهای حنفی را کاهش داد.

نتیجه طبیعی این همگرایی آن بود که فقهای حنفی در سمت‌های قضایی و اداری حکومت عباسی مسئولیت گرفتند و بر اساس همین ساختار، فقه حنفی به تدریج جایگاه رسمی و غالب پیدا کرد .

ایجاد مراکز آموزشی

در شهرهای گوناگون، مدارس فقهی و حوزه‌های علمی دینی تأسیس شده‌اند؛ برای نمونه، در بیهقیه مدرسه‌ای ویژه مذهب حنفی به نام ابوالقاسم عبدالعزیز بن یوسف بیهقی، جد ابوالحسن بیهقی دانشمند برجسته قرن ششم، بنا گردید(سپهری؛ ۱۳۹۰: ۹۲).

موضوع فوق بوضوح نمایان می‌سازد که فقه اسلامی، به‌ویژه در دوره‌های بعد، از سطح آراء فردی و حلقه‌های محدود آموزشی فراتر رفت و در قالب **مراکز آموزشی رسمی** همچون مدارس فقهی و حوزه‌های علمی سامان یافت. اشاره به تأسیس مدارس در شهرهای گوناگون، بیانگر گسترش جغرافیایی دانش فقه و تبدیل آن به بخشی از ساختار پایدار فرهنگی و دینی جوامع اسلامی است. نمونه‌ی مدرسه‌ی حنفی در بیهقیه که به دست ابوالقاسم عبدالعزیز بن یوسف بیهقی بنا شده، به‌خوبی نشان می‌دهد که این نهادسازی صرفاً جنبه‌ی آموزشی نداشت، بلکه ابزاری برای **حفظ هویت مذهبی و انتقال منظم سنت فقهی** نیز بود. انتساب این مدرسه به خاندان بیهقی و پیوند آن با ابوالحسن بیهقیِ

قرن ششم، تداوم علمی و بین‌نسلی دانش فقهی را برجسته می‌سازد و از ریشه‌دار بودن این فعالیت‌ها حکایت دار(همان).

نظام فقهی مدون

شاگردان امام ابوحنیفه (رح)، به ویژه ابویوسف و محمد، در چارچوب مذهب امام به نگارش کتاب‌هایی پرداختند و با توجه به احادیث نبوی، پیوندی میان فقه حنفی و فقه اهل مدینه که بر سنت استوار بود برقرار کردند و بدین ترتیب مذهب حنفی را تقویت نمودند(سپهری؛ ۱۳۹۰: ۷۱).

مورد فوق نشان می‌دهد که تثبیت و تقویت مذهب حنفی در پهلوی نتایج اندیشه‌های امام ابوحنیفه، نتیجه تلاش نظام‌مند شاگردان برجسته او در سامان‌دهی، تدوین و تکمیل این مکتب فقهی بود. ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی با نگارش آثار فقهی در چارچوب اندیشه استاد، نقش مهمی در تبدیل فقه حنفی از یک جریان فکری به مذهبی مدون و قابل انتقال ایفا کردند. این فرایند کتابت و تدوین، باعث شد آراء فقهی از حالت شفاهی و محدود خارج شده و به‌صورت منسجم در دسترس نسل‌های بعدی قرار گیرد.

از سوی دیگر، توجه این شاگردان به احادیث نبوی و تلاش برای پیوند دادن فقه حنفی با فقه اهل مدینه که بر سنت استوار بود، نشان‌دهنده رویکردی تلفیقی و انعطاف‌پذیر در این مذهب است. این پیوند، نقدهای واردشده بر اهل رأی مبنی بر فاصله گرفتن از حدیث را تا حد زیادی کاهش داد و به مذهب حنفی اعتبار حدیثی بیشتری بخشید. در نتیجه، فقه حنفی توانست میان عقل‌گرایی فقهی و التزام به سنت نبوی تعادل برقرار کند(همان).

نقش مبلغان دین اسلام

کسانی که در زمان قتیبه و پیش از او به دین اسلام گرویده بودند، در جستجوی پاسخ‌هایی برای پرسش‌های دینی خود بودند. در این دوره دو مکتب اهل رأی و اهل حدیث وجود داشت که بیشتر تحت تأثیر مسائل جدید به مکتب اهل رأی گرایش یافتند. بنابراین، به عراق سفر کردند و تعلیمات امام ابوحنیفه (رح) را فراگرفتند و سپس به مناطق مختلف بازگشتند و این آموزه‌ها و اندیشه‌ها را منتقل کردند، که این امر زمینه‌ساز گسترش فقه حنفی در آن زمان شد (ضیائی؛ ۱۳۹۱: ۴۳).

موضوع فوق نشان از این دارد که گسترش فقه حنفی بیش از آنکه حاصل سیاست رسمی حکومت‌ها باشد، نتیجه یک نیاز فکری و اجتماعی در میان مسلمانان تازه‌اسلام‌آورده بود. کسانی که در دوره قتیبه و پیش از آن به اسلام گرویده بودند، با پرسش‌های نوپدید دینی روبه‌رو شدند؛ پرسش‌هایی که پاسخ به آن‌ها نیازمند اجتهاد، تفسیر و تطبیق احکام با شرایط جدید بود. در چنین فضایی، دو جریان فکری اهل حدیث و اهل رأی مطرح بودند، اما پیچیدگی مسائل اجتماعی و فرهنگی مناطق تازه‌مسلمان‌شده باعث شد گرایش به مکتب اهل رأی افزایش یابد.

مکتب اهل رأی، که بر عقل، قیاس و استنباط فقهی تأکید داشت، توانایی بیشتری برای پاسخ‌گویی به مسائل جدید نشان می‌داد و همین ویژگی آن را برای جوامعی مانند ماوراءالنهر و خراسان جذاب‌تر کرد. سفر طلاب علوم دینی به عراق و فراگیری آموزه‌های امام ابوحنیفه، بیانگر شکل‌گیری شبکه‌ای علمی و آموزشی است که از مرکز خلافت به مناطق پیرامونی امتداد می‌یافت. بازگشت این افراد به سرزمین‌های خود و انتقال آموخته‌ها، نقش مهمی در بومی‌سازی فقه حنفی و گسترش تدریجی آن ایفا کرد.

حمایت سیاسی و حکومتی

بنیان‌گذاران حکومت سامانیان با تکیه بر حمایت روحانیان، قدرت خود را در بخارا مستحکم ساختند. به همین دلیل، روحانیون در این دولت جایگاهی بسیار والاتر داشتند و از انجام تعظیم و تعظیم‌کشی در حضور پادشاه معاف بودند. سامانیان از میان فقهای مذهب حنفی، دانشمندترین و لایق‌ترین فرد را برمی‌گزیدند و امور را بر اساس نظر او سامان می‌دادند و همچنین مسئولان و کارکنان را به فرمان او منصوب می‌کردند(ضیائی؛ ۱۳۹:۴۱).

موضوع فوق نشان‌دهنده این است که قدرت سیاسی سامانیان از همان آغاز بر نوعی پیوند ساختاری میان حکومت و نهاد دین استوار بوده است. بنیان‌گذاران این دولت به‌خوبی دریافته بودند که در جامعه اسلامیِ آن دوره، تثبیت قدرت بدون پشتوانه دینی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین با جلب حمایت روحانیان، به‌ویژه فقهای حنفی، توانستند مشروعیت حکومت خود را در بخارا نهادینه کنند. این مشروعیت صرفاً جنبه نمادین نداشت، بلکه به‌صورت عملی در ساختار قدرت دولت بازتاب یافت.

جایگاه ممتاز روحانیان، مانند معافیت آنان از تعظیم در برابر پادشاه، بیانگر برتری یا دست‌کم هم‌سطحی اقتدار دینی با اقتدار سیاسی بود و نشان می‌داد که قدرت سلطان مقید به شریعت است.

چنین امتیازهایی نقش مهمی در جلب اعتماد عمومی و کاهش تنش میان حکومت و جامعه ایفا می‌کرد. از سوی دیگر، انتخاب آگاهانه فقیه برجسته حنفی به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری، حاکی از آن است که سامانیان اداره امور سیاسی و اداری را در چارچوب فقه و نظر علما سامان می‌دادند؛ به‌گونه‌ای که حتی انتصاب کارگزاران نیز تحت تأثیر نظر فقیه انجام می‌شد.

۵. مناقشه تحقیق

از جمله نقاط مشترک و افتراق بحث تحقیق حاضر با تحقیقات ذکر شده می‌توان به این‌که تحقیق ضیائی و همکاران (۱۳۹۱) با رویکرد تاریخی، گسترش فقه حنفی را به‌طور خاص در منطقه ماوراءالنهر و تا پایان دوره سامانیان بررسی کرده‌اند و عواملی چون نزدیکی فکری امام ابوحنیفه با مرجئه، حمایت سامانیان از فقهای حنفی، و نقش قاضیان و شاگردان برجسته را برجسته کرده‌اند. در مقابل، تحقیق سید جلال میرآقایی (۱۳۸۹) تمرکز خود را بر شخصیت امام ابوحنیفه، منش اخلاقی و روش تدریس او گذاشته و ارتباط وی با اهل‌بیت را بررسی کرده است. اما تحقیق حاضر با دیدگاهی گسترده‌تر و جامع‌تر، به عوامل گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه در سراسر جهان اسلام پرداخته است. این تحقیق افزون بر عوامل سیاسی و تاریخی، ویژگی‌های درونی فقه حنفی نظیر عقل‌گرایی، توجه به عرف، قیاس، استحسان، انعطاف‌پذیری فقهی، دفاع از حقوق اقلیت‌ها، و نظام آموزش و قضاوت را نیز بررسی کرده و نقش شاگردان، مراکز علمی، و پذیرش از سوی حکومت‌ها را در گسترش آن تحلیل نموده است. به‌طور کلی، تحقیق حاضر نسبت به تحقیق‌های پیشین از دامنه زمانی و مکانی وسیع‌تری برخوردار بوده و نگاهی چندبُعدی به موضوع داشته و در مطابقت با حوزه مطالعه تحقیقات ذکر شده هم‌راستایی در نتایج دارد.

٦. نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رشد و گسترش مدرسه فقهی امام ابوحنیفه(رح) مربوط به عواملی چون؛ تمرکز فقه حنفی بر واقع‌گرایی و عرف، ارتباط نزدیک عالمان حنفی با حاکمان، نقش فعال شاگردان امام ابوحنیفه در توسعه این مکتب، رویکرد آسان‌گیرانه فقه حنفی، حمایت از حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های ضعیف، تصحیح تصرفات انسان تا حد امکان، جنبه‌های نظری و عملی فقه حنفی، تصدی منصب قضا توسط حنفیان، وجود احکام حمایتی برای اقشار ضعیف، حضور قضاوت حنفی در برخی مناطق، دیدگاه گسترده این مکتب، نقش حلقه‌های درسی امام ابوحنیفه، پذیرش از سوی حکومت‌ها،

تأسیس مراکز آموزشی، تدوین نظام فقهی منسجم، فعالیت مبلغان دین، حمایت‌های سیاسی و حکومتی و جایگاه کوفه به عنوان مرکز اولیه فعالیت امام ابوحنیفه تحت مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کنار نوآوری‌های فقهی، در این روند نقش داشته‌اند. از جمله ویژگی‌های برجسته فقه حنفی، تأکید آن بر قیاس، استحسان و بهره‌گیری از عقل در استخراج احکام است که باعث شد این مکتب پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای جوامع اسلامی باشد.

همچنین، نقش اساسی شاگردان برجسته این مدرسه در تدوین، گسترش و نهادینه‌سازی دیدگاه‌های امام ابوحنیفه در مراکز علمی و نظام قضایی، یکی از عوامل اصلی تثبیت جایگاه آن بوده است. پشتیبانی برخی حکومت‌ها، به‌ویژه سامانیان و سپس عباسیان، از مذهب حنفی به عنوان مذهب رسمی نیز موجب شد که این مکتب در ساختارهای حقوقی، آموزشی و اجرایی جایگاهی ویژه پیدا کند. افزون بر این، انعطاف فقه حنفی در برابر تنوع شرایط اجتماعی و منطقه‌ای باعث شد که در سرزمین‌هایی چون ماوراءالنهر، خراسان، هند و آناتولی به‌خوبی رشد کند و نفوذ یابد.

در نهایت، بقای تاریخی و گسترش فقه حنفی را می‌توان نتیجه تعامل بین ظرفیت‌های درونی این مکتب و عوامل بیرونی مساعد دانست.

منابع

۱) احمدی، فضل احمد. (۱۴۰۲). *رویکرد امام ابوحنیفه(رح) در قبال اعتدال و میانه‌روی*. فصلنامه علمی- تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون غالب. سال، دوازدهم نشراتی. شماره، دوم.

۲) ابوزهره، محمد. (۱۳۸۴). تاریخ مذاهب اسلامی. ترجمه علی‌رضا ایمانی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۳) باقرزاده، دکتر احد. (۱۳۸۷). فقه و قانون‌گذاری در اسلام. فصلنامه علمی- ترویجی علوم اسلامی. سال، سوم. شماره ، یازدهم.

٤) بغدادی، خطیب. (۱۴۰۷ق). تاریخ بغداد. بیروت.

۵) پاکتچی، احمد. (۱۳۷۲). ابوحنیفه. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران. مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

٦) ذهبی، شمس‌الدین. (١٤٠٥ق) .سیر أعلام النبلاء .بیروت: مؤسسه الرساله.

۷) خضری، محمد .(2004) .تاریخ التشریع الاسلامی .قاهره: المکتبة التجاریة الکبری.

۸) سپهری، فریدون. (۱۳۹۰). تحقیقی در باره امامان اهل سنت. انتشارات: کردستان.

۹) صفا، دکتر ذبیح‌الله. (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات در ایران. جلد اول. انتشارات: امیر کبیر.

۱۰) ضیائی، محمد عادل و عزیزی، موسی. (۱۳۹۱).گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر تا پایان عصر سامانیان. فصلنامه علمی- تحقیقی نامه‌ی تاریخ اسلام. سال دوم. شماره هفتم.

۱۱) ضیائی، محمد عادل و عزیزی، موسی. (۱۳۹۰). تاثیر هم‌نظری ابوحنیفه و مرجئه در گسترش فقه حنفی. فصلنامه علمی- تحقیقی نامه‌ی تاریخ اسلام. سال اول. شماره سوم.

۱۲) عباسی، جلال‌الدین. (۱۳٦۰). ائمه اربعه اهل سنت.

۱۳) ابوزهره، محمد. (۱۳٦۹). ابوحنیفة: حیاته و عصره. قاهره.

١٤) مبلغی، احمد.(۱۳۸۸). پیش‌درآمدی بر فلسفه فقه. فصلنامه تحقیق‌های فرهنگ و علوم اسلامی. دوره، ٦. شماره ۵۹-٦۰.

۱۵) مبارز، فریداحمد. (۱۳۸۸). د امام ابوحنیفه(رح) سیرت.

١٦) میرآقایی، سیدجلال. (۱۳۸۹). ابوحنیفه در اندیشه و رفتار. فصلنامه اندیشه تقریب. سال، ششم. شماره، ۲۲.

17) Burns, R. B. (2000). Introduction to research methods. London: Sage.

18) Gall, M. D., Gall, J. P., & Borg, W. R. (2007). Educational research: An introduction (8th ed.). Boston, MA: Pearson.

19) Neuman, W. L. (2014). Social research methods: Qualitative and quantitative approaches (7th ed.). Harlow: Pearson Education